

## «قیام حسینی در برابر جاهلیت اولی؛ قیام خمینی در برابر جاهلیت مُدرن»

### مبحث یازدهم

وقتی آن امتحانات و مسائل علمی پیچیده مربوط به علم الهی و آن صحبت‌ها و سوال‌ها و جواب‌ها میان حضرت موسی و حضرت خضر در گرفت، حضرت موسی (ع) نتوانست با درجه علمی خضر نبی (ع) همراه شود و خضر فرمود: «انک لن تستطیع معی صبرا... هذا فراق بینی و بینک». وقتی می‌خواستند از یکدیگر مفارقت کنند، ظاهراً هر دوی آنها پرنده‌ای را مشاهده می‌کنند که با منقار کوچک خودش، قطره‌ای از آب دریا را بر می‌دارد و به جاندار تشنه‌ای می‌رساند. در این میان، حضرت جبرئیل (ع) نازل می‌شود و در بیان عظمت علم حضرات معصومین (ع) به این منظره جالب تمثیل می‌کند که قطره‌ای که این پرنده به منقار گرفت در برابر این اقیانوس، نشان‌گر میزان علم شما و تفاوت درجه آن با علم نبوی و علوی است. اگر علی‌رغم برخورداری همه انبیاء الهی از عصمت، چنین اختلاف درجه‌ی علمی میان آنان و چهارده امام (ع) وجود دارد، کاملاً واضح است که علم غیر معصوم با علم حضرات معصومین (ع) چه فاصله عظیمی دارد. در واقع علم غیر معصومین، تدریجی‌الحصول است. یعنی در طول زندگی به معارف جدیدی دست پیدا می‌کنند که سابقاً از آنها بی‌خبر بودند یا مطالبی برای آنان تفصیل پیدا می‌کند که قبلاً در نهایت اجمال و ابهام بود!

لذا همانطور که در مباحث گذشته بیان شد، با آغاز غیبت کبری و سپرده‌شدن پرچم دین‌داری به دست عقلانیت غیر معصوم (نواب عام حضرت (عج) و فقهای عظام شیعه)، روشن است که تفقه فقهای عظام شیعه که از سنخ عقلانیت غیر معصوم است، دارای سیر رشد تدریجی است و قابل مقایسه با علم معصومین نیست. هیچ یک از علمای شیعه نیز مدعی این نیست که فقط همان علمی که فلان عالم بدان دست پیدا کرد، ملاک است و تکامل در آن راه ندارد! بلکه عقلانیت غیر معصوم در طول تاریخ تکامل پیدا می‌کند و اشکالاتش بر طرف می‌شود و ارتقاء پیدا می‌کند و از اجمالات آن کاسته می‌شود و وضوح و دقت آن بیشتر می‌شود و ابعاد و اعماق جدیدی را می‌شناسد که سابقاً از آنها آگاهی نداشت. انعکاس این مطلب در اعتقادات شیعه وجود دارد که علمای شیعه قائل به «انفتاح باب اجتهاد» هستند. یعنی امکان تفقه دقیق‌تر و آوردن گمانه‌های بیشتر در فهم از آیات و روایات وجود دارد و غیر معصومین در طول تاریخ و در سیر تکامل عقلانیت خود، می‌توانند به سطوح جدیدی از قرآن و روایات علم پیدا کنند. لذا با وقوع غیبت و منقطع شدن از دسترسی مستقیم به علم حضرت ولی عصر (عج)، پرچم دینداری بر دوش نواب عام ایشان قرار گرفت تا با تفقه نسبت به آیات و روایات، تکلیف جامعه شیعه را در مقابله با دستگاه کفر و نفاق معین کنند و محبین را از حيله‌ها و هجمه‌های آنها عبور دهند.

پس تفقه و فقاہت شیعه که مبتنی بر عقلانیت غیر معصوم است، سیر تحول و تطور و ارتقاء دارد. لذا نواب عام حضرت (عج) در طول سالیان دراز علی رغم کشتارها و فشارها و شکنجه‌ها و تبعیدهای خلفای جور، مشغول حفظ و تبویب و گردآوری دقیق و مستند آیات و روایات بودند تا این ثروت علمی بی‌کران به نسل‌های آتی انتقال پیدا کند. انجام این مأموریت بزرگ، جز به عنایت حضرت ولی عصر (عج) ممکن نبود، چرا که دشمنی خلفای جور در آن دوره به حدی بود که بعد کشتن سادات حسینی و حسنی و...، تلی از سر آنها می‌ساختند، فقهای شیعه را به قتل می‌رساندند و کتاب‌های آنها را می‌سوزاندند! سابقاً عرض شد که امتحانات و آیات دستگاه ایمان عقلانی است. لذا حفظ و گردآوری روایات حضرات معصومین (ع) بوسیله نواب عام (به عنوان مرحله اول سیر فقاہت بعد از غیبت کبری) با وجود دشمنی‌های بسیار خلفای جور و عزم آنها بر نابودی روایات اهل بیت (ع)، جزء از طریق معجزه الهی ممکن نبود.

مرحله بعدی در سیر تکامل عقلانیت نواب عام، در تولید و تدوین و تعمیق «علم اصول» قابل پی‌گیری است. یعنی به تبع ایجاد فاصله زیاد از زمان صدور روایات و ایجاد فروع جدید و سوال‌های نوین و هجوم اهل سنت به فقه شیعه با قیاس و استحسان و استصلاح و...، به تدریج ضرورت ایجاد علم اصول فقه برای فهم دقیق آیات و روایات، جای اکتفاء به حفظ روایات را گرفت. لذا با مباحث عقلی و عقلایی و عرفی و ادبی و دقیق‌کردن و مستند کردن اینها، به تدریج ابزاری به نام علم اصول بوجود می‌آید تا بتوان بوسیله آن مقابل تفسیر به رأی و قیاس و استحسان و استصلاح ایستاد و سوالات جدید را پاسخ داد. در این مرحله، فهم عرفی و غیرتخصصی از منابع دینی پایان پذیرفت و تخصصی‌کردن و قاعده‌مند نمودن «فهم از دین» به انجام رسید که نتیجه‌ی آن «تعیین احکام افراد و وظیفه مکلفین» بود. اما «تحقق دین» وابسته به میزان خداترسی و تقوای اشخاص بود تا در صورت تمایل به انجام وظایف دینی، خود به این امر مبادرت کنند زیرا فقهاء قدرتی برای تحقق دین در اختیار نداشتند.

این روند ادامه پیدا می‌کند تا اینکه در حدود ۳۰۰ سال اخیر رنسانس بوجود می‌آید و طبق مباحث گذشته، «کفر مدرن» در قالب سبک زندگی جدید در عالم محقق می‌شود که آثار این شیوه جدید در ابعاد مختلف زندگی به زندگی جامعه مسلمان حمله‌ور می‌شود. لذا نواب عام در مقابل یک سری امور عینی و ملموس قرار می‌گیرند: در یک زمان، «نهیض مشروطه» که در صدد مشروط کردن نظام سلطنتی به انتخابات و مجلس است بوجود می‌آید. در زمان دیگر مسئله تسلط کفار بر توتون و تنباکو بوجود می‌آید. در زمان دیگر مسئله قراردادهای خارجی برای غارت نفت ایران مطرح می‌شود. لذا فقهاء در مقابل یک سری امور عینی قرار می‌گیرند و با آن مبارزه می‌کنند که اوج این مبارزات، در نهایت به قیام حضرت امام (ره) و پیروزی انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی منجر می‌شود.

بنابراین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این «تحقق دین» و چگونگی انجام آن است که در مقابل نواب عام قرار می‌گیرد علاوه بر این که تحقق دین فقط در عرصه عمل افراد مطرح نیست بلکه به دلیل حاکمیت یافتن دین و مکتب، «نظام و حکومت» است که باید دین را محقق کند. لذا مرحله بعدی تکامل عقلانیت نواب عام حضرت ولی عصر (عج) این است که بتوانند احکام نظام و ساختارهای آن را از قرآن و روایات استنباط کنند و دین را تحقق ببخشند. یعنی در ادامه امتحانات عقلانی، فقاہت به

جای اکتفاء به «فهم دین» برای «تعیین وظیفه عملی افراد» در مقابل فضای جدیدی قرار گرفته است: «تحقق دین» در سطح «رفتار یک نظام»! ممکن است کسی بگوید این مسئله فرق چندانی با مرحله قبل نداشت! چرا که احکام دینی مشخص است و فقط کافی است نظام جمهوری اسلامی به آنها عمل کند اما مسئله بسیار پیچیده‌تر از این مطالب است! اوایل انقلاب بحث داغی به نام احکام اولیه و احکام ثانویه مطرح شد، چرا که حضرت امام (ره) تصریح کردند که هدف از تشکیل حکومت اسلامی، جریان احکام در زندگی مردم است. البته روشن بود که برای اجرای احکام در عالم تحقق و خارج، موانعی وجود دارد که این امر، ضرورت احکام ثانوی را نمایان کرد. اما بعد از گذشت چند سال مشاهده شد که همان احکام ثانویه که برای اضطرار و به صورت موقت مطرح شده بود ادامه پیدا می کند، چرا که آن موانع و اضطرارها همچنان تداوم یافته است. علاوه بر تداوم و طولانی شدن زمان اضطرار به دلیل تداوم موانع، به تدریج اضطرارها در موضوعات مختلف و متنوعی از موضوعات اجتماعی، هویدا شد و به عرصه‌های مختلفی در رسانه و آموزش و پرورش و آموزش عالی و دیپلماسی و بهداشت و شهرنشینی و سبک زندگی و... تعمیم یافت و شدت گرفت. پس به تدریج روشن شد که تحقق دین در قرن بیستم، دارای پیچیدگی‌هایی است و مساله به آن سادگی که تصور می شد نیست.

ممکن است گفته شود این موانعی که در برابر تحقق دین و اجرای احکام وجود دارد، به دلیل وجود افرادی در رده‌های مختلف مدیریتی است که حساسیت لازم به احکام اسلام را ندارند و بعضاً با بی‌تقوایی، دچار قدرت‌طلبی و مال حرام و شده‌اند و اگر بجای آن افراد نالایق، افراد مذهبی و با تقوا و بسیجی و اهل روضه و نماز و روزه و خمس و... بر سر کار بیایند، تمام مشکلات نظام حل خواهد شد. متأسفانه این طرز نگاه و تحلیل بر بخش عظیمی از جماعات انقلابی و مذهبی و مسجدی و روحانیون حاکم است. برای نقد این نوع نگاه، پیش از هر چیز می‌توان به کلام بسیار روشن‌گرانه و عمیق و بصیرت‌افزای حضرت امام (ره) در سال ۶۱ توجه کرد. به نظر می‌رسد اگر به محتوای این سخنان توجه نکنیم، آرمان‌های عاشورا و مضامین و دستورات قرآن و روایات اسلام - که شدیداً علاقه‌مند به اجرایی شدن آن در جامعه هستیم - محقق نخواهد شد! چون به این مانع بزرگ توجه نکردیم! خیلی خوب است که منبرها به بیان نصیحت و اندرز و آیات و روایات و قصص قرآن پردازند اما بعد از آن باید به این امر توجه کرد که چرا این مطالب حق در جامعه تحقق پیدا نمی‌کند و از تحلیل‌های ساده‌انگارانه پیرامون این موانع دست برداشت. اما کلام حضرت امام (ره) در این باره:

«درباره فرهنگ هرچه گفته شود کم است. می‌دانید و می‌دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک رژیم پیدا شود و همه ارگانها و مقامات آن رژیم در صراط مستقیم انسانی و الهی پایبند باشند و بر استقلال و آزادی ملت از قیود شیطانی عقیده داشته باشند و آن را تعقیب کنند و ملت نیز به تبعیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده آن پایبند باشد دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند و همه را خواهی خواهی به انحراف کشاند و نسل آتیه را آنچنان کند که انحراف به صورت زیبا و مستقیم را راه نجات بداند و اسلام انحرافی را به جای اسلام حقیقی بپذیرد و بر سر خود و کشور آن آورد که در طول ستمشاهی و خصوصاً پنجاه سال سیاه بر سر کشور آمده...» (صحیفه نور/ ج ۱۷/ ص ۳۲۳)

حضرت امام (ره) که در رأس امور قرار دارد و بیشتر از هر فردی از نقایص و خوبی‌های نظام مطلع است در این کلام، همه‌ی عوامل و شرایط را در بهترین وضع آن تصور کرده و به بیان عواقب توجه نکردن به مقوله فرهنگ و انحراف فرهنگی اشاره می‌کند. در حقیقت این کلام تمام کسانی را که مشکلات نظام را صرفاً ناشی از عدم تدین مسئولین می‌دانند، نقد می‌کند. می‌فرماید اگر همه مسئولین و همه مردم در بهترین سطح اعتقادی و عملی باشند ولی انحراف فرهنگی بوجود آید، فسادى که از آنها صادر خواهد شد که همچون فساد پنجاه سال سیاه پهلوی است!

باید روحانیون و متدینین و انقلابیون و هیئتی‌ها در این بیان حضرت امام (ره) دقت و تدبر کنند تا از تحلیل‌های ساده پیرامون علت مشکلات جامعه دینی و موانع تحقق دین و چالش‌های فرهنگی و اقتصادی دست برداریم! کسی منکر این نیست که برخی از مشکلات نظام به لغزش برخی مسئولین یا مردم بازمی‌گردد، اما حضرت امام (ره) فرضی را برای ما مطرح کردند که هیچ راه فراری از آن نیست: اگر همه‌ی مسئولین و مردم به بهترین درجه اعتقاد و عمل رسیدند اما انحراف فرهنگی رخ بدهد، همان بهترین‌ها را از این رو به آن رو می‌کند و کل جامعه را به انحطاط می‌کشاند! البته برخی دانما فریاد می‌زنند که مردم بی‌دین و لاابالی شده‌اند! ولی فارغ از توصیفات رهبران انقلاب درباره وفاداری و تدین مردم ایران (که می‌فرمایند بهترین مردم از صدر اسلام تا کنون هستند) امام (ره) تصریح می‌کنند که حتی اگر بهترین مسئولین و مردم را داشته باشیم، دوباره مشکل حل نخواهد شد. این به چه دلیل است؟ به این دلیل است که «تحقق دین در سطح نظام» به عنوان موضوع امتحان عقلانیت غیر معصوم در این عصر بسیار پیچیده است زیرا در این دوران، کفر مدرن به مسلمین و مومنین هجمه ور شده است و جاهلیت مدرن، برای دنیاپرست کردن مردم و کشیدن جامعه به سمت اخلاق رذیله و اعتقادات فاسد و رفتار نابهنجار، ابزار پیچیده‌ای دارد. سوال می‌کنید اسم آن ابزار چیست؟

قبل از پاسخ به این سوال مهم باید توجه کنیم که اگر خدای ناکرده فرزند ما به مریضی سختی مبتلا شود، دکتر در صحبت با ما از یک اصطلاح علمی استفاده می‌کند. شما می‌گویید این که گفتید به چه معناست؟ می‌گوید فعلاً اسمش را حفظ کن تا به تدریج مطلب واضح شود! سوال می‌کنید داروی آن چیست؟ دوباره نام داروهایی را ذکر می‌کند که تا حالا به گوش شما نخورده است! ولی شما یک لحظه نمی‌گویید چه اسم سختی! بلکه تردید نمی‌کنید که باید نام این دارو را حفظ کنید تا امکان خرید آن از داروخانه را پیدا کنید و زمینه را برای بهبود فرزندتان فراهم کنید. یعنی نه تنها به دلیل طرح اصطلاح سخت، به پزشک اعتراض نمی‌کنید بلکه با چند بار تکرار آن را حفظ می‌کنید و به خرید آن اقدام می‌کنید و بعد اگر بتوانید، با پرس‌وجو و حتی تحقیق در اینترنت، برای فهم مساله تلاش می‌کنید.

حال اسم آن ابزار پیچیده که جاهلیت مدرن برای دنیاپرست کردن مردم از آن استفاده می‌کند، «مدل اداره کشور» است! یعنی به شما می‌گویند این موبایل و کامپیوتر و ماشین و... که به آسانی در دسترس شما قرار دارد و بسیاری از کارهای روزمره تان را با آنها انجام می‌دهید، یکدفعه بوجود نیامده است! برای تولید آن جمعیت انبوهی از دانشمندان و متخصصان و کارگران و... متکی به علوم پیچیده‌ای در کارخانه‌های بزرگ کنار هم جمع شدند تا بتوانند این را بسازند. سپس می‌گویند اگر اینها با علم و تخصص پیچیده بوجود می‌آیند، آیا می‌توان ساده‌انگارانه تصور کرد که ایجاد و اداره‌ی کشورها بدون تخصص و ابزار علمی

ممکن است؟! در حالی که پیچیده‌ترین ماشین و دستگاه در دنیا، ماشینی است که با آن کشورها اداره می‌شود و تولید و توزیع و مصرف همه این کالاها را مدیریت می‌کند و علمی است که ترکیبی از علوم مختلف مانند جامعه‌شناسی و اقتصاد و برنامه‌ریزی و مدیریت حاصل شده است. ابتدای انقلاب اینطور فکر می‌کردیم برای تحقق اسلام فقط کافی است تا مسؤلان متدین باشند و علم به احکام داشته باشند و سپس به سراغ عملی کردن آن بروند! اما بعد از گذشت چند دهه کم کم می‌فهمیم به موازات هر یک از احکام رساله که به دنبال تحقق آن بودیم، یک تخصص جداگانه در دنیا وجود دارد! بالاتر از تخصص‌های موضوعی، برای اداره کشور با همه ابعاد مختلف و متکثر آن هم، ماشین و ابزاری علمی به نام «مدل اداره کشور» وجود دارد که خودش دارای احکام و مناسک پیچیده‌ای است و مبنای آن، دنیاپرستی است و معین می‌کند که ملت را چگونه باید پرورش داد و به کدام جهت سوق داد و آنان را به چه نظم‌ها و قوانینی مقید کرد و در چه شرایطی قرار داد. علاوه بر این و برای اینکه این ماشین با سرعت و راحتی لازم شما را به مقصود برساند، باید آن احکام را برای خود به «وجدان عمومی و فرهنگ اجتماعی» تبدیل کنید! یعنی ملت‌ها چه شیعه و چه سنی و چه کافر و... باید نسبت به احکام «مدل اداره کشور»، «مشارطه و مراقبه و محاسبه»ی مادی داشته باشند. یعنی مدل اداره، «دغدغه مادی» می‌سازد و «تقوا برای دنیا» ایجاد می‌کند. حال ساده‌انگاری نیست که من و شما به فلان مسؤل اعتراض کنیم که چرا احکام اسلام را اجرا نمی‌کنی! در «مدل اداره» ای که دین و اخلاق و اعتقادات شما به رسمیت نمی‌شناسد، دیگر نوبت به امر به قناعت و راست‌گویی و امانت‌داری و حجاب و خمس و... نمی‌رسد! نگاه ساده با مشاهده چنین وضعیتی می‌گوید عجب مردم بی‌دینی هستند! اما آنهایی که عمق شیطنت و کفر مادی را متوجه شده‌اند، می‌گویند: عجب «مدل اداره»ی بی‌دینی است! چطور با ایجاد ساختارهای مختلف در روحيات و فرهنگ مردم نفوذ پیدا کرده و همه را در کانال‌هایی که تعبیه کرده، به سمت هدف خود می‌کشاند و ریزش در متقی‌ترین مسؤلین نظام را بوجود می‌آورد! اگر گفته می‌شود که ابا عبدالله الحسین (ع) برای اسلام قیام کرد و ما هم باید احکام اسلامی را در زندگی خودمان پیاده کنیم، باید به این واقعیت نیز توجه کرد که بسیاری از مردم علی‌رغم تدین، نمی‌توانند در شرایط برآمده از این مدل اداره، به احکام عمل کنند و نظام علی‌رغم گرایش به اهداف اسلام، نمی‌تواند ساختارهای خود را به این سمت هدایت کند. پس معلوم می‌شود سخن حضرت امام (ره) در سال ۶۱ چقدر دقیق بوده است: اگر همه مسؤلین و مردم خوب باشند، باز هم خطر انحراف فرهنگی باقی است. زیرا تحقق اسلام در عمل، با یک دستگاه علمی مواجه است که دین ما را به رسمیت نمی‌شناسد! به طور نمونه، قبل از رنسانس حکومت‌ها با ارباب و تهدید و شکنجه و کشتن و... مردم را به تبعیت از خودشان مجبور می‌کردند. اما بعد از رنسانس، حکومت‌ها آزادی را برای مردم به ارمغان آوردند. به مردم می‌گویند شما نظر بدهید و حتی بالاتر از آن می‌گویند خود مردم حاکمان را انتخاب کنند! اگر به مردم اینقدر آزادی داده شود آنها جسور نمی‌شوند؟! بی‌نظمی بوجود نمی‌آید؟! امور چطور به سرانجام می‌رسد؟! کار کارفرماها و مدیران چطور سامان پیدا می‌کند؟! در پاسخ باید گفت: مردم به صورت شبانه‌روزی در نظم معین شده کار می‌کنند چون انگیزه‌هایشان بر محور دنیا تحریک و تحریر شده است. چطور تحریک می‌کنند؟! با ارائه کالاها و تکنولوژی‌های مختلف و جدید در سراسر دنیا، و تبلیغ آن در تلویزیون و سینما و اینترنت و فضای شهری و... یعنی هر روز و هر هفته و هر ماه و هر سال، مدل و مُد جدید در هر عرصه‌ای وارد بازار می‌شود! حالا اگر مردم جهان این محصولات کارآمد و متنوع را می‌خواهند، باید نظم‌های خاصی را بپذیرند؛ از نظم در خواب و

بیداری و آمد و شد تا نظم در تحصیل و مدارج علمی و امور اداری و مدیریتی و...! ملت‌هایی که اهل دنیا باشند و انگیزه‌های‌شان بر محور امور مادی شکل گرفته باشد، به این نتیجه می‌رسند که اگر قرار است این همه کالاهای متنوع و کارآمد در دسترس ما قرار بگیرد، به صرفه است که این نظم‌ها و مدیریت‌ها را بپذیریم. البته بعضی هنوز گمان می‌کنند که مُد فقط در آرایش مو و لباس مطرح است، اما واقعیت آن است که سبک زندگی مدرن، برای هر شأنی از شئون زندگی در هر ساله یا در هر ماه یا در هر هفته، مدهای جدیدی را عرضه می‌کند! هر سال، روش چیدن و تزئین دکوراسیون منزل تغییر می‌کند! روش ساخت خانه هر دو سه سال یکبار بهینه می‌شود! ساخت سالن‌های ورزشی و تئاتر و سینما بهینه می‌شود! شبکه آب و فاضلاب بهینه می‌شود! ترمینال‌های زمینی و دریایی و هوایی بهینه می‌شود! می‌گویند این تنوع در تمام شئون زندگی دنیایی را مشاهده کن و اگر به دنبال عشق‌بازی روزافزون نسبت به دنیا هستی، این نظم‌ها را بپذیر! نتیجه‌ی این روند این است که نمی‌توان گفت «حرص» فقط وصف یک شخص است که باید برای از بین بردن آن به کتاب «معراج السعاده» یا یک استاد اخلاق رجوع کند! بلکه حرص به وصف «جامعه» تبدیل می‌شود و یک جامعه را نسبت به دنیا حریص می‌کند! چون اگر یک جامعه انگیزه‌های اقتصادی نداشته باشد نمی‌توان او را شبانه‌روز در این سیستم اقتصادی به کار گرفت! آیا آنها انگیزه‌ها را بر اساس آخرت‌گرایی تحریک می‌کنند یا اینکه بر اساس مصرف بیشتر تحریک می‌کنند؟! در این شرایط، در منابع بر معارف حقه‌ای مانند «حب الدنيا رأس کل خطیئه» تاکید می‌شود و مردم به دوری از دنیاگرایی دعوت می‌شوند اما وقتی مستمعین وارد زندگی روزمره می‌شوند، با سیل خروشان مادی‌گرایی در جامعه روبرو می‌شود و آثار «مدل اداره کشور» آنها را به سمت و سوی دیگری می‌کشاند و برخی از آنها بعد از مدتی به این نتیجه می‌رسند که روحانیت و منابع از واقعیت‌های زندگی به دور هستند و در دنیای دیگری سیر می‌کنند و لذا جمعیت زیادی از پای منابع و از اطراف روحانیت دور می‌شوند.

حال آیا این سخنان به معنای آن است که تولید ثروت نکنیم و هر روز فقیرتر شویم؟! خیر؛ زیرا انگیزه‌های دینی هم می‌تواند انسان مومن را به تحرک بیاندازد و ثروت تولید کند. امیرالمومنین (ع) خمس اموالشان در سال حدود ۲۰ هزار دینار طلا بوده است ولی از طرف دیگر کمترین مصرف را در خوراک و پوشاک و مسکن و... داشتند! لذا انگیزه‌های دینی می‌تواند محور تحرک جامعه ایمانی برای تولید ثروت باشد بدون آن که دنیاطلبی تحریک کند و مصرف انبوه و اسراف را به دنبال بیاورد. اما مدل اداره غربی، مردم جهان را به سمت حرص بیشتر و تنوع طلبی و مصرف بیشتر می‌کشاند و بر این مبنا، آنها را به تحرک شدید اقتصادی و اجتماعی وا می‌دارد! در این فضا است که انسان مومن و انقلابی و هیبتی، یک ماه در سال به عزاداری و کسب معارف اهل بیت مشغول است اما وقتی پا به جامعه می‌گذارد، چالش‌های زیادی را در مقابل خود احساس می‌کند؛ گرچه به برکت انقلاب اسلامی و عدم تبعیت مطلق از مدل اداره غربی، این مفاسد در جامعه ما نسبت به سایر جوامع بسیار کمتر باشد.

پس امروز عقلانیت غیر معصوم - که در تلاش‌های مجاهدانه فقهای عظیم الشان شیعه برای حفظ دین متبلور است - در برابر چه امتحانی قرار دارد؟ در مقابل «تحقق دین در سطح نظام» که مانع بزرگی به نام «مدل اداره غربی» در برابر آن وجود دارد! در واقع به جای آن‌که مشکلات فرهنگی و اقتصادی به عدم تدین و تقوا در میان برخی مسئولین یا مردم احاله شود، باید گفت این

مدل اداره غربی است که بی دین است و با محاسبات مادی، زمینه را برای تغییر محاسبات مسئولین و فاصله گرفتن آنها از مسیر الهی انقلاب اسلامی فراهم می‌کند. در واقع علت اصلی ریزش‌های انقلاب خصوصاً در میان مسئولین آن است که «مدل اداره الهی» برای مدیریت نظام هنوز ارائه نشده و مسئولین نیز ابتدائاً به دلیل اضطراب از نسخه مادی برای اداره کشور استفاده می‌کنند اما به تدریج با محاسبات برآمده از آن مأنوس می‌شوند و لذا اموری را که با این مدل اداره تناسب نداشته باشد، غیرقابل تحقق و برخلاف واقع‌گرایی می‌پندارند. لذا اگر مقام معظم رهبری (ره) «نفوذ» را به «تغییر محاسبات مسئولین» تعریف می‌کنند، باید دانست که اصلی‌ترین ابزار برای این تغییر محاسبه، مدل اداره غربی است که از ترکیب علوم مختلف انسانی در غرب (اقتصاد و مدیریت و برنامه ریزی و جامعه‌شناسی و ...) بدست آمده است. لذا اگر این علوم، آرمان‌های دینی و انقلابی شما را در هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی به رسمیت نشناسند، بهترین نیروهای انقلابی و مومن را به محاسبات مادی دچار می‌کنند و تدریجاً آنان را به این نتیجه می‌رساند که: «قدرت‌های جهانی را نباید دشمن خود پنداشت و شعارهای غیرواقعی و تند بر ضد آنها سر داد و باید از تخاصم با آنها دست برداشت تا از کم‌توسعه‌یافتگی نجات یافت و به توسعه‌یافتگی رسید. زیرا بر اساس اقتصاد متداول و تجربه موجود در دنیا، ایجاد رونق اقتصادی و تأمین معیشت مردم، بدون سرمایه و تکنولوژی خارجی ممکن نیست و بیشترین تکنولوژی و سرمایه‌های جهانی نیز در اختیار کشورهای است که با تندروری به مخالفت با آنها برخاسته‌اید.»

اما ما در پاسخ به آنها می‌گوییم: ما تجربه‌ای در هشت سال دفاع مقدس داشتیم و متخصصان نیز همین سخن را در آن زمان تکرار می‌کردند که جنگیدن در قرن بیستم محاسبات علمی خودش را دارد و لذا نمی‌توانید با یک ارتش به هم‌ریخته و امکانات ناقص، در برابر ارتش صدام مقاومت کنید. اما کسانی مانند حسن باقری‌ها و شهید کاوه‌ها و... شجاعت به خرج دادند و دست به مجاهدت و نوآوری فکری زدند و تاکتیک‌ها و عقلانیت جدید جنگی را ایجاد کردند تا اینکه توانستیم هشت سال در برابر ابرقدرت‌های جهان مقاومت کنیم. لذا مکرراً مقام معظم رهبری می‌فرمایند: تجربیات انقلاب را فراموش نکنید! لذا اگر تجربیات انقلاب تنوریزه نشوند و معلوم نشود که چگونه توانستیم در عقلانیت کلاسیک جنگ تصرف کرده و در آن تغییر ایجاد کنیم، در جنگ اقتصادی و فرهنگی علیه دشمن نیز به پیروزی دست نخواهیم یافت. در واقع دوست‌داران انقلاب باید به فرمایش مقام معظم رهبری حفظه‌الله که «علوم انسانی ذاتاً مسموم است» دقت کنند و متوجه باشند که نظام هر روز در حال نوشیدن سموم علمی است؛ زیرا تصمیمات کلان کشور بر اساس علوم انسانی موجود اخذ می‌شود. البته حفظ و بقاء نظامی که هر روز مبتلا به این سم است، از معجزات و نصرت‌های الهی است اما اگر در تصمیمات کلان کشور، دین و حوزه‌های علمیه و فقاقت غایب باشند، سم مادی‌گری و دنیاپرستی مدرن ضربه‌های خطرناک‌تری به انقلاب و جامعه شیعه وارد خواهد کرد و به نظر می‌رسد علت هشدارهای متعددی که رهبری مطرح می‌کنند، به همین نکته بازگشت دارد. یعنی بعد از گذشت سال‌های سال از اینکه حضرت امام (ره) جام زهر را نوشید، هنوز آن زهر در پیکره نظام جاری است و مقام معظم رهبری با سفارش‌های علمی که به حوزه و دانشگاه می‌دهند، بدنبال پادزهر آن هستند! اگر حرکت حوزه و دانشگاه برای دستیابی به این پادزهر حیاتی کند است، باید نیروهای انقلابی و مذهبی و مومن در همین مجالس عزاداری و مساجد و حسینیه‌ها اقدام کنند. به همین دلیل است که فقیه مبرزی مانند حضرت امام خمینی (ره) فرمودند: فقاقت موجود برای اداره کشور کافی نیست! چرا

این سخنان به انزوا رفته است و حداقل چرا تکرار نمی‌شود؟! چرا سخن مقام معظم رهبری که علوم انسانی ذاتا مسموم است تکرار نمی‌شود؟! وقتی این مطلب تکرار شود و تحلیل شود و استدلال‌های آن بیان شود و حساسیت‌ها نسبت به آن برانگیخته شود، دانشجویان و طلاب انقلابی به جوشش در خواهند آمد! در واقع ادبیات تخصصی حوزه و ادبیات تخصصی دانشگاه در مقابل سفارش‌های علمی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری قرار گرفته‌اند و در حال امتحان شدن به آن هستند! اینها موضوع امتحان جامعه شیعه است! بله امتحانات فرهنگی و اقتصادی سخت‌تر و پیچیده‌تر از جنگ نظامی است؛ اما باید توجه داشت که قدم برداشتن در این میدان نیز از نصرت‌های اعجاز‌آمیز خدای متعال و حضرت ولی عصر (عج) برخوردار خواهد شد اساسا عقلانیت غیر معصوم از این طریق پیشرفت می‌کند که کفار و منافقین به دستگاه ایمان حمله‌ور می‌شوند و با پناه بردن به حضرت ولی عصر (عج)، گمانه‌های جدیدی به نواب عام الهام می‌شود و پیروزی‌ها حاصل می‌شود. اگر امام حسین (ع) سفینه النجاة است، اصلی‌ترین سطح پناه‌بردن به کشتی نجات اباعبدالله (ع) همین امور است؛ چرا که اساسی‌ترین امتحانات جامعه شیعه همین مسائل است و نه فقط بیماری این فرد و مشکلات خانوادگی آن شخص!